

## بررسی دیدگاه مفسران شیعه، سنی و مستشرقان در خصوص روایات تحریف‌نمای آیه متعه

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۵/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۱۶

محمد رضا ستوده‌نیا\*

مهدی حبیب‌اللهی\*\*

### چکیده

آیه ۲۴ سوره نساء که به «آیه متعه» نیز معروف است، از جمله آیات پربحث و مناقشه میان مفسران شیعه و سنی است. علاوه بر اختلاف دیدگاه‌ها در معنا و تفسیر آیه، وجود برخی از روایات مشعر به قرائت متفاوت این آیه و وجود عبارت اضافه در برخی از قرائت‌های منسوب به صحابه و ائمه (ع) باعث گردیده است که این آیه از جنبه قرائت و شبهه تحریف قرآن نیز دارای اهمیت گردد. در این نوشتار با بررسی متنی و سندی روایات نقل شده در منابع شیعی، واکاوی اظهار نظر مفسران بزرگ شیعه در دوره‌های گوناگون تاریخی، بررسی تفاسیر روایی اهل سنت و بیان دیدگاه‌های برخی از مستشرقان تلاش شده است که دامان شیعه از اتهام قول به تحریف قرآن پاک و منسوب بودن قرائت متفاوت قرآن به ائمه (ع) در این آیه رد گردد.

### واژگان کلیدی

تحریف قرآن، آیه متعه، روایات تفسیری، روایات تحریف‌نما، مستشرقان

bayanelm@yahoo.com

\* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان

\*\* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) mh\_hwazah@yahoo.com

#### مقدمه

بی‌شک تحریف‌ناپذیری قرآن یکی از مهم‌ترین اصول و متقن‌ترین عقیده در میان اکثر مسلمانان جهان است که آیات و روایات و دلائل عقلی زیادی بر اثبات آن اقامه شده و دانشمندان زیادی از شیعه و سنی در طول تاریخ بر این باور شهادت داده‌اند. با این وجود، گاه زمزمه‌هایی هرچند ضعیف و کوتاه، بر تحریف شدن قرآن و کاسته شدن از آیات و تبدیل و تغییر آن به گوش رسیده است. این زمزمه‌ها که در طول تاریخ اسلام و از جانب شخصیت‌های مرتبط به هر دو گروه شیعه و سنی بیان شده، توسط اکثریت علمای فریقین با قاطعیت رد شده و آثار ارزشمندی در این راستا خلق گردیده است.

با این حال متأسفانه گاه شنیده می‌شود که اتهام قول به تحریف قرآن ناجوانمردانه و نابخردانه به کل شیعیان متوجه شده و جزء اصول پذیرفته شده و اتفاقی فرقه امامیه قلمداد می‌شود. البته این عده برای اثبات مدعای خویش، دلائل و بهانه‌هایی نیز دارند.

یکی از بهانه‌هایی که برخی از علمای اهل سنت و مستشرقان برای متهم کردن شیعه به داشتن اعتقاد به تحریف قرآن مطرح کرده‌اند، وجود برخی از روایات تفسیری در مجامع روایی شیعه است که در آن‌ها به هنگام نقل آیه، کلمه یا عبارتی اضافه بر آنچه که در قرآن‌های رسمی آمده، ذکر شده است. برخی از این روایات در مجامع روایی معتبر شیعه و برخی از کتب تفسیری ذکر گردیده‌اند. وجود این روایات به همراه برخی از نظرات ناشیانه و ناآگاهانه باعث تقویت این اتهام گردیده است.

یکی از این نمونه‌ها، روایاتی است که در توضیح آیه ۲۴ سوره نساء یا آیه متعه در برخی از منابع شیعه آمده است. مطابق برخی از روایات که در ادامه نقل خواهیم کرد، عبارت «الی اجل مسمی» به آیه متعه اضافه شده است. از آن‌جا که اضافه کردن این عبارت به نوعی موضع شیعیان را در ظهور داشتن آیه در حلیت متعه، تقویت می‌کند، نوک پیکان اتهام تحریف قرآن توسط علمای اهل سنت و برخی از مستشرقان متوجه شیعیان شده است و این روایات را دلیل بر اعتقاد شیعه به تحریف قرآن دانسته‌اند. در این گفتار سعی خواهیم کرد، ابتداء موضع اختلاف دو مذهب شیعه و سنی در فهم آیه متعه و میزان تأثیر اختلاف قرائت در برداشت از آیه را مشخص کرده، سپس روایات مربوط به اختلاف قرائت این آیه از منابع شیعی و سنی را ذکر نموده، آنگاه با توجه به

بیان‌ها، برداشت‌ها و توجیه‌های ارائه شده توسط مفسران شیعه در طول تاریخ و دیدگاه‌های برخی از مستشرقان در این باره، اتهام قول به تحریف قرآن را از شیعه برداریم. روش اصلی این تحقیق، توجه به تطور تاریخی ذکر و برداشت از روایات تحریف‌نما در ذیل آیه متعه در تفسیرهای شیعه است.

#### ۱. تبیین موضع اختلاف شیعه و سنی در تفسیر آیه متعه

مفسران شیعه و سنی در ذیل آیه: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً» (نساء: ۲۴) در مورد نکاح متعه و حلیت آن و ظهور یا عدم ظهور این آیه در نکاح متعه بحث کرده‌اند. ماحصل این بحث‌ها این است که مفسران شیعه این آیه را ناظر به نکاح متعه دانسته و آن را دلیل بر حلیت این نوع نکاح در اسلام گرفته‌اند. به عقیده علمای شیعه این آیه بوسیله هیچ آیه دیگری در قرآن نسخ نشده است. (طوسی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۶۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۷۵)

مهم‌ترین دلیل ظهور این آیه در نکاح متعه قرائن لفظی موجود در آن و توجه به سیاق است چرا که کلمه «استمتاع» ظهور در متعه و ازدواج موقت دارد و از روایات برخی از اصحاب و تابعانی نظیر ابن عباس، ابن مسعود، ابی بن کعب، قتاده، مجاهد، سدی، ابن جبیر، و حسن به دست می‌آید (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۴۰) که ازدواج موقت در زمان رسول الله (ص) با همین عنوان رایج بوده و مطابق روش قرآن، که از سنت‌های رایج میان مردم با همان عناوین یاد می‌کند، به ازدواج موقت نیز با عنوان معهود «متعه» اشاره کرده است.

قرینه دیگر ذکر کلمه «اجور» است که ظهور در پرداخت اجرت متعه دارد؛ چرا که در قرآن، هنگام اشاره به مهریه از کلمات دیگری نظیر صدقات و نحله استفاده شده است. همچنین لازمه ارتباط میان شرط و جزاء و این که دادن اجر مشروط به استمتاع شده از دیگر قرائن ظهور آیه در متعه است؛ چرا که در نکاح دائم وجوب مهریه مشروط به استمتاع نیست بلکه با اصل تحقق عقد ثابت می‌گردد. علاوه بر قرائن لفظی متصل، روایاتی نیز در مجامع حدیثی اهل سنت وجود دارد که بر ظهور داشتن این آیه در متعه دلالت دارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، صص ۲۶۶-۲۷۰)

در میان مفسران اهل سنت، برخی تلاش کرده‌اند آیه را به کل مربوط به نکاح دائم دانسته و استمتاع را به معنای ازدواج دائم و اجور را به مفهوم مهریه گرفته‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۱۲۹)؛ با این حال برخی نیز با پذیرش ظهور آیه در متعه و پذیرش حلیت آن در زمان پیامبر (ص) بر منسوخ شدن آیه به وسیله آیات دیگر قرآن تأکید کرده‌اند. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۸)

## ۲. دلایل مدعیان نسخ آیه متعه و نقد آن‌ها

اهل سنت برای اثبات ادعای نسخ شدن این آیه استدلال‌هایی ذکر کرده‌اند که برخی از این دلایل از این قرار است:

### ۲-۱. نسخ آیه متعه با آیه طلاق

«یا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ.» (طلاق: ۱) برخی از علمای اهل سنت پس از پذیرش اصل حلیت متعه در ابتداء، و براساس آیه ۲۴ سوره نساء، براین اعتقادند که بعدها با نزول آیه ۱ سوره طلاق حلیت متعه برداشته شد، چرا که در این آیه جدا شدن از زنان منحصر در طلاق دادن آن‌ها شده است و این به معنای این است که سایر روش‌های جدا شدن از زنان از جمله متعه غیر مشروع است. (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۵، ص ۱۳۲)

در حقیقت اساس این ادعا بر این نکته استوار است که شیوه جدا شدن مرد و زن در نکاح متعه که بدون طلاق و صرفاً با تمام شدن مدت است با این آیه منسوخ شده است. در پاسخ این ادعا باید گفت که:

اولاً؛ هیچ ملازمه‌ای میان جدا شدن زن و مرد به غیر طلاق و مشروع نبودن نکاح آن‌ها وجود ندارد. چه بسا نکاحی صحیح باشد ولی به دلیل خاصی زن و مرد بدون طلاق از هم جدا شوند همانند زن مرتده یا ملاحنه.

ثانیاً؛ حکم طلاق در جایی است که نکاحی وجود داشته باشد، از این رو در مورد متعه که با اتمام وقت آن علقه زوجیت وجود ندارد جاری شدن طلاق معنا ندارد. بنابراین عموم آیه طلاق، مورد متعه را دربر نمی‌گیرد تا بخواهد نسخ آن باشد. (خویی، ۱۴۱۳، ص ۳۱۴)

## ۲-۲. نسخ آیه با آیه نکاح

«وَالَّذِينَ هُمْ لِأَزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ \* إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ» (مؤمنون: ۶-۵، معارج: ۳۰-۲۹)، بر این آیه بدین گونه استدلال شده است که، تنها دو دسته از زنان از لزوم مراعات عفت در موردشان استثناء شده‌اند: همسران و کنیزان و لذا زنان متعه شده داخل در حکم مستثنی نیستند و این به معنای مشروع نبودن حکم متعه و نسخ آن است و دلیل این که زن متعه شده داخل در عنوان ازواج نمی‌شود این است که زوجه ارث می‌برد و زن متعه شده ارث نمی‌برد، زوجه پس از طلاق عده نگه می‌دارد ولی زن متعه شده عده طلاق ندارد، همچنین متعه مثل نکاح اثبات‌کننده نسب نیست. (فخررازی، ۱۴۲۰، ج ۱۰، ص ۴۱)

در پاسخ می‌توان گفت که اولاً هر دو سوره مؤمنون و معارج مکی هستند و مطابق با قواعد نسخ نمی‌توانند ناسخ حکم متعه‌ای باشد که در سوره نساء مدنی تشریح شده است. ثانیاً، این که گفته شده زن متعه شده زوجه محسوب نمی‌شود چون ارث نمی‌برد، لازمه زوجیت ارث بردن نیست، چرا که بسا زوجیت دائم هست، ولی توارث بین زوجین وجود ندارد و زوجه از زوج خود ارث نمی‌برد، مانند زنی که کافر ذمی باشد یا زنی که همسرش را به قتل رسانده باشد. چون لازم از بین رفت، پس ملزوم نیز از بین می‌رود. و این که گفته شده نسبت فرزند در ازدواج متعه ثابت نمی‌شود و یا عده وجود ندارد، ادعای واهی است که فقهای شیعه به آن پاسخ داده‌اند. (ر.ک: بلاغی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۷۳)

## ۲-۳. نسخ آیه با آیه میراث

«وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ» (نساء: ۱۲) در نسخ آیه متعه با آیه مذکور می‌گویند: مطابق این آیه، در میان زن و شوهر، حق ارث ثابت می‌شود در حالی که در میان زن و شوهر با ازدواج موقت قانون توارث جاری نیست یعنی از یکدیگر ارث نمی‌برند، بنابراین، ازدواج موقت، علقه زوجیت و ارتباط همسری ایجاد نمی‌کند و اگر چنین علقه و ارتباط را ایجاد می‌کرد، طبق آیه ارث موجب توارث می‌شد، این است که باید گفت آیه ارث، آیه متعه را نسخ کرده و حکم آن را تغییر داده است. (نحاس، ۱۴۱۳، ج ۴، صص ۱۰۶-۱۰۵)

پاسخ این که ادله نفی تورات در ازدواج موقت «مخصّص» آیه ارث است و هیچ سند و دلیلی نیست بر این که زوجیت و همسری به طور مطلق و به هر شکلی مستلزم توارث در میان زوجین باشد زیرا مواردی وجود دارد که از نظر اسلام در آن موارد زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی‌برند و هیچ مانع و اشکالی ندارد که ازدواج موقت نیز یکی از آن موارد باشد، مثلاً اگر یکی از زن و یا مرد، کافر و یا قاتل همسرش باشد، نمی‌تواند از همسر مسلمان و یا همسر مقتول خود ارث ببرد. (خویی، ۱۴۱۳، ص ۳۱۵)

#### ۲-۴. نسخ آیه به سنت

برخی از علمای اهل سنت بر نسخ شدن آیه متعه به وسیله روایات نقل شده از پیامبر(ص) تأکید کرده‌اند. از مهمترین روایات استناد شده این روایت نقل شده در صحیح مسلم است: «سبره بن معبد الجهنی، عن أبيه، أنه غزا مع رسول الله (صلى الله عليه و سلم) يوم فتح مكة، فقال «يا أيها الناس إني كنت أذنت لكم في الاستمتاع من النساء، وإن الله قد حرم ذلك إلى يوم القيامة» (صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۹۲)

سبره بن معبد الجهنی از پدرش نقل می‌کند که در روز فتح مکه پیامبر(ص) فرمودند من پیش از این به شما متعه زنان را اجازه دادم ولی خداوند از این به بعد تا روز قیامت آن را حرام گردانید. روایات دیگری که در این زمینه وارد شده و در صحیح مسلم ذکر گردیده همگی به سبره بن معبد و پدرش برمی‌گردند. بخاری از ذکر این حدیث خودداری کرده که خود دلیل بر بی‌اعتمادی او به این روایت است.

در پاسخ به این استدلال باید گفت که اولاً نسخ قرآن به سنت آن هم به خبر واحد در جای خود رد شده است و مورد توافق همگان نیست. ثانیاً وجود روایات متعارض در کتب اهل سنت که نسخ آیه متعه را رد می‌کند از اعتبار این حدیث می‌کاهد (ر.ک: صحیح مسلم، ج ۷، صص ۱۴۶-۱۸۴) و ثالثاً در روایت مشهوری که از عمر نقل شده، وی تحریم متعه را به خود منتسب می‌کند که خود دلیل محکمی است بر این که آیه در زمان حضرت رسول(ص) نسخ نشده بوده و الا دلیلی نداشت خلیفه دوم تحریم آن را منتسب به خود کند. (معرفت ۱۴۲۵، ج ۱، ص ۴۸۶)

### ۳. قرائت متفاوت آیه متعه

در بیشتر کتب تفسیری در ذیل این آیه به قرائت متفاوت آیه به صورت «فما استمتعتم به منهن إلی أجل مسمی» اشاره شده است. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۹) از جمله دلایل شیعیان بر ظهور داشتن آیه در حلیت نکاح متعه، وجود این روایات اثبات‌کننده وجود عبارت اضافه «الی اجل مسمی» است. این روایات هم در منابع شیعه و هم در منابع اهل سنت ذکر شده است. (طوسی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۱۷۱)

عمده این روایات، قرائت مذکور را منتسب به اصحاب پیامبر (ص) نظیر، ابن عباس، ابن مسعود و ابی بن کعب دانسته‌اند. با این وجود روایاتی نیز از اهل بیت (ع) در مورد این قرائت در منابع معتبر آمده است. به هر حال، شکی نیست که در صورت صحت این قرائت ظهور آیه در نکاح متعه که از ارکان آن داشتن وقت مشخص است اثبات می‌گردد ولی ما را با چالش مهم‌تری که همانا اثبات تحریف قرآن به نقص است، مواجه می‌کند.

### ۴. روایات تفسیری ذیل آیه متعه در مجامع روایی شیعه

با بررسی تفاسیر روایی و کتب حدیثی شیعه، در مجموع پنج روایت از ائمه (ع) که در برگیرنده عبارت اضافه «الی اجل مسمی» است به دست می‌آید. این روایات در دو تفسیر قمی و عیاشی و در کتاب کافی نقل شده‌اند. این روایات عبارتند از:

۱- قال الصادق (ع): «فَمَنْ اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَأَتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً» قال الصادق (ع): فهذه الآية دليل على المتعه. (قمی، ۱۳۶۷، ص ۱۳۶)

۲- عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ كَانَ يَقْرَأُ «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَأَتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ» فَقَالَ: هُوَ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ يَحْدُثُ شَيْئًا بَعْدَ الْأَجَلِ. (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۳۴)

۳- عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ قُلْتُ لَهُ: مَا تُقُولُ فِي الْمُتَعَةِ قَالَ قَوْلُ اللَّهِ: « فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَأَتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ» قَالَ: قُلْتُ: جَعَلْتُ فِدَاكَ أُمِّي مِنَ الْأَرْبَعِ قَالَ: لَيْسَتْ مِنَ الْأَرْبَعِ إِنَّمَا هِيَ إِجَارَةٌ فَقُلْتُ [أُ رَأَيْتَ] إِنْ أَرَادَ أَنْ يَزِدَادَ وَ تَزِدَادَ قَبْلَ انْقِضَاءِ الْأَجَلِ

الذی أجل قال: لا بأس أن یكونَ ذلك برِضی منه و منها بالأجلِ و الوقتِ، و قال: یزیدها بعد ما یمضی الأجل. (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۳۴)

۴- عَلِيُّ بن ابراهیم عَن ابیه عَن ابن ابی عُمیر عَمَّن ذَكَرَهُ عَن ابی عبدالله (ع) قال إِنَّمَا نَزَلَتْ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً. (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۴۴۸)

### ۵. روایات تفسیری ذیل آیه متعه در کتب تفسیری اهل سنت

در تفاسیر مأثور اهل سنت، عبارت اضافه «الی اجل مسمی» به صحابه و در رأس آنان ابن عباس مستند شده است. در ادامه به برخی از این روایات اشاره می‌کنیم:

۱- در تفسیر طبری در ابتداء نظر اکثریت اهل سنت در ظهور استمتاع در نکاح دائم و اجورهن در مهریه بیان می‌شود، نویسنده در ادامه این نظر را مستند به برخی از روایات از جمله روایتی از ابن عباس می‌کند وی سپس دیدگاه دیگر را بدون ذکر نام شیعیان، بیان می‌کند و می‌گوید مطابق دیدگاه دیگر استمتاع در این جا به معنای متعه و ازدواج موقت است وی سپس مستندات این دیدگاه را با آوردن روایاتی از اصحاب و تابعان ذکر می‌کند.

در ضمن برخی از این روایات عبارت «الی اجل مسمی» نیز وجود دارد، از جمله این روایت از سدی: « ثنا أحمدُ بن مُفضَّل، قال: ثنا أسباطُ، عن السُّدِّيِّ: " فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ. " فَهَذِهِ الْمَتَعَةُ الرَّجُلُ... » (طبری، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۹؛ طبرانی، ۱۴۰۴، ج ۱۰، ص ۳۲۰؛ ابی داود، ۱۴۱۳، ص ۲۷۹).

در ادامه او روایتی از حبیب بن ابی ثابت از ابن عباس نقل می‌کند که در آن ابن عباس از مصحفی مطابق با قرائت اُبی نام می‌برد راوی با نظر کردن در آن مصحف عبارت «الی اجل مسمی» را در آیه ۲۴ سوره نساء مشاهده می‌کند. به دنبال این روایت، روایتی دیگری از ابن عباس نقل می‌کند که او تصریح می‌کند به این که آیه فوق با عبارت «الی اجل مسمی» نازل شده است.



در روایتی دیگر، راوی از الحکم سؤال می‌کند که آیا آیه متعه نسخ شده است، او در جواب می‌گوید هرگز و به فرمایش حضرت امیر که اگر عمر متعه را منع نکرده بود کسی به جز شقی زنا نمی‌کرد، استناد می‌کند. در پایان طبری حمل آیه را بر جواز متعه باطل می‌داند و به دلیل قیام حجت بر تحریم چنین ازدواجی ظهور آیه را در نکاح دائمی می‌داند. وی قرائت‌های ابن عباس و ابی‌بن کعب را به دلیل مخالفت با قرآن مسلمین و قرائت عامه مردم مردود می‌شمرد. (طبری، ۱۴۱۲، ج ۵، ص ۹)

۲- در تفسیر روایی دیگر اهل سنت، یعنی الدرالمثور، سیوطی به روایات منقول از ابن عباس و ابی‌بن کعب که در آن‌ها عبارت «الی اجل مسمی» قرائت شده است اشاره کرده و روایات قتاده و مجاهد در مورد این‌که این آیه در باب حلیت نکاح متعه نازل شده را بیان می‌کند ولی در ادامه روایات نسخ شدن این آیه توسط آیات دیگر و حرام شدن متعه از زمان فتح مکه توسط پیامبر (ص) اکرم را نیز بیان می‌کند.

وی حتی روایاتی از حضرت علی (ع) نقل می‌کند به این مضمون که متعه از زمان رسول‌الله (ص) حرام گردید و در روایتی دیگر حضرت به ابن عباس به واسطه ادعایش در حلیت متعه اعتراض می‌کنند. (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۱۴۱)

ابن کثیر از مفسران قرن هشتم اهل سنت در تفسیر خود می‌گوید عده‌ای به این آیه برای جواز متعه استناد کرده‌اند. شکی نیست که در زمان پیامبر (ص) متعه مشروع بوده است ولی بعداً منسوخ شده است، البته در مورد این که متعه فقط یک‌بار تحریم یا چندین بار تحریم شده است اختلاف وجود دارد. با این حال از ابن عباس، ابی‌بن کعب، مجاهد، سعیدبن جبیر و سدی روایت شده که جواز متعه هرگز نسخ نشده است. این عده، آیه را با اضافه کردن «الی اجل مسمی» قرائت کرده‌اند. وی در نهایت با توجه به روایت حضرت علی (ع) در تحریم شدن متعه در زمان رسول‌الله (ص)، حلیت متعه را مردود می‌شمارد. (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۲۷)

## ۶. بررسی دیدگاه مستشرقان

مسأله تحریف قرآن از موضوعات مورد توجه خاورشناسان هنگام مطالعه و بررسی قرآن بوده است. آنان که با وجود دلایل قطعی بر وقوع تحریف در کتب مقدس یهود و

مسیحیت مجبور به پذیرش این حقیقت در مورد کتب مقدس خویش گردیدند، از همان ابتداء در تلاش بودند که قرآن را نیز متنی غیر وحیانی، تقلیدی و تحریف شده معرفی کنند. در این بین متهم کردن شیعه به قول به تحریف قرآن از جمله دلایل آن‌ها در قابل اعتماد نبودن متن قرآن بوده است.

با این حال برخی از خاورشناسان معاصر با بررسی دقیق دلایل متهم کردن شیعه به این نظریه، به نوعی بر کافی نبودن و مردود بودن این دلایل صحنه گذاشته‌اند. هرچند که عمده مباحث خاورشناسان در این زمینه مربوط به ادعای کلی تحریف است و وارد مصادیق نگشته‌اند، با این حال برخی از آنان از جمله «جوزف شاخت»<sup>۱</sup> و «رابرت گلیو»<sup>۲</sup> به گونه‌ای مفصل در مورد روایات شیعه در ذیل آیه ۲۴ سوره نساء به بحث پرداخته‌اند.

جوزف شاخت به طور خاص در مورد آیه مورد نظر اظهار نظر کرده و در مورد عبارت اضافه «الی اجل مسمی» در آیه ۲۴ سوره نساء می‌گوید: «آیه با عبارت اضافه آن نسخه کامل تری از قرآن بوده که با مخالفت علمای عراق و مدینه روبرو شده است. حلیت اولیه و صریح نکاح متعه که در آیه فوق منعکس شده در ابتداء با ادعای نسخه غیر معروف بودن آن مشکوک شد و بعد با طرح ادعای نسخ شدن آن، به خاطر تضاد متن قرآن با فقه رایج به کلی انکار گردید». (شاخت، ۱۹۵۰، ص ۲۲۶ و ۲۲۷)

علی‌رغم ادعای کلی مستشرقان در محرف دانستن قرآن توسط شیعیان (ر.ک.:. نولدکه، ۲۰۰۰، ص ۳۲۵؛ گلدزیهر، ۱۹۹۵، ص ۲۹۳؛ بلاشر، ۱۳۶۵، ص ۲۰۹؛ کلبرگ، ۱۳۸۲، ص ۷۷) برخی از مستشرقان معاصر از دیدگاه فوق برگشته و نظر جدیدی ارایه داده‌اند.

افرادی چون «ونزبرو»<sup>۳</sup> و «بارتون»<sup>۴</sup> با دلایل متفاوت، چنین استدلال کرده‌اند این زیادت‌های متنی قرآن جنبه تاریخی نداشته بلکه ماهیتی تفسیری دارند. به عبارت دیگر، این اضافات، تفسیر و جملات مترادف گونه و توضیحی هستند که در متن نسخه‌های قدیمی قرآن جای گرفته‌اند و در حقیقت در یک فرآیند تفسیری توسط افراد متأخر به وجود آمده و به دلایلی (مثل اعتبارسازی و یا قرینه صحت) به شخصیت‌های بزرگ اسلامی در دوران اولیه نسبت داده شده‌اند.

زیادت‌های قرآنی، حتی در مواردی که به شکل نسخه‌های دیگر قرآنی رخ نموده‌اند در حقیقت همگی تفسیری هستند. فرآیند زمانی تکامل مصاحف به خوبی نشان می‌دهند که مصحف‌های منسوب به صحابه بر اساس مطالب تفسیری به پشتیبانی از ایده تفسیر سنتی از مصحف رسمی یعنی نسخه عثمانی، ایجاد شده‌اند. (گلیو، ۲۰۰۴م، ص ۳۰۵)

بارتون در مورد آیه ۲۴ سوره نساء می‌نویسد:

«قراءت‌های دیگر از آیه‌ی ۲۴ سوره نساء که به برخی از مفسرین عالی‌قدر از صحابه و تابعین نسبت داده می‌شود نشان دهنده‌ی تلاش آشکار برخی از متأخرین در گنجاندن برخی از عبارات‌ها در متن قرآن است تا بدین صورت برخی از تفسیرهای، آن را تأیید نمایند». (بارتن، ۱۹۸۲، ص ۵)

هرچند که بارتن و ونزبرو هر دو نسخه‌های متفاوت قرآنی را ماهیتاً دارای عبارت‌های اضافی تفسیری می‌دانند، و نه متون تاریخی، در مورد مفهوم و اهمیت این دیدگاه با هم اختلاف نظر دارند. برای بارتون این دیدگاه به این معناست که در هر آیه‌ی از آیات قرآن که تلاش شده عبارتی اضافه گردد، این تلاش با شکست مواجه گردیده. به عقیده بارتون علت شکست این تلاش‌ها وجود گسترده مصحف محمد(ص) از همان دوران ابتدایی اسلام بوده به طوری که بسیاری از نسخه‌های دیگر بر اساس آن شکل گرفته و همین امر باعث گرید جایگاه اصلی بودن آن نسخه برای همیشه ثابت بماند. (بارتن، ۱۹۹۲، ص ۲۰۳)

در مقابل ونزبرو معتقد است که نسخه‌های قرآنی با ماهیت اضافات تفسیری تنها بعد از تثبیت متن رسمی قرآن در سال حدود ۲۰۰ هجری پدیدار گشتند. قبل از این زمان مرز میان متن و تفسیر چندان قابل تشخیص نبودند. نسخه‌های متفاوت قرآنی اجمالاً در مبهم شدن مرز میان متن اصلی قرآن و اضافات تفسیری نقش داشتند. او دلیل بی اعتبار شدن متن قرآن را فقدان و کمبود قرآن رسمی بدون اضافات و یا قرآن‌های رایج در دوران‌های متأخر می‌داند. عامل تعیین کننده در تثبت نهایی یک قرآن رسمی نیاز فقهی برای داشتن یک متن واحد و بدون ابهام و یا حداقل با کمترین ابهام بود. (ونزبرو، ۱۹۷۹، ص ۲۰۵)

رابرت گلیو از مستشرقان و شیعه‌شناسان معاصر در مقاله‌ای مسأله‌ی اضافات قرآنی در روایات منقول از ائمه (ع) و به طور خاص آیه ۲۴ سوره نساء را بررسی کرده است. او در پایان مقاله‌اش نتیجه می‌گیرد که عبارت اضافه نقل شده در آیه فوق جنبه تفسیری دارد و حداقل در این آیه دامن شیعه از اتهام تحریف قرآن مبرا است.

وی می‌گوید: «نتیجه‌ای که می‌توان از نظرات شیعه در مورد عبارت الی اجل مسمی گرفت این است که در دوره‌های مختلف عناصر نظری و عقیدتی بر تفسیر این آیه تأثیر گذاشته است. در دوران اولیه، عقیده‌ی شیعه در این باره از شفافیت کاملی برخوردار نبود و از این رو موضع مفسرین در این باره مبهم است و همین ابهام‌گویی توسط نویسندگان دنبال می‌شود.

در دوران بعد پیدایش تفاسیر اولیه که بیشتر تحت تأثیر سبک تفسیرهای اهل سنت بودند موضع شفافتری در مورد زیادت اتخاذ کردند در همین دوره قرآن عثمانی به عنوان قرآن رسمی در همه‌ی تفسیرها مورد پذیرش واقع شد. روایت‌های نقل شده از امامان که حاوی مطالب مخالف در مورد ماهیت این زیادت‌ها بود (که صریحاً بر رد قرائت مشهور آیه تأکید می‌کرد)، توسط مفسرین این دوره رد شد و زیادت به عنوان اضافه تفسیری برخی از صحابه در نظر گرفته شد.

اخباری‌ها اهتمام بیشتری نسبت به روایت‌های ائمه به عنوان تنها تفسیر درست قرآن داشتند و از این رو خود را زیاد درگیر مشکلاتی که این روش تفسیری ممکن است به بار آورد نکردند و از این رو همان ابهام‌گویی دوران اولیه در نوشتجات آنان وجود دارد. نهایتاً نویسندگان معاصر شیعه به این نتیجه رسیدند که هر چند در کلام ائمه (ع) زیادت وجود دارد ولی به عنوان اضافه‌ی تفسیری بیان شده است». (گلیو، ۲۰۰۴، ص ۳۲۲)

از مجموع اظهار نظر مستشرقان چنین به دست می‌آید که با وجود اصرار آنان بر متهم کردن شیعیان به ادعای تحریف شدن قرآن، با این حال افرادی مانند بارتن، ونزبرو، و گلیو، معتقدند اضافاتی که در برخی از روایات تفسیری از جمله آیه ۲۴ سوره نساء آمده، ماهیتی تفسیری و توضیحی داشته و ارتباطی با تحریف قرآن ندارد. در حقیقت، قرائن موجود در کتب تفسیری ذکر کننده این روایات، فهم و بیان مفسران

دوره‌های بعد و ذکر نشدن این روایات توسط مفسران بعدی و معاصر را قرینه‌ای بر این دانسته‌اند که تحریف قرآن دیدگاه رسمی شیعه نیست و به ناچار این روایات را باید حمل بر توضیح تفسیری نمود.

#### ۷. تحلیل و نقد روایات تحریف‌نمای شیعه در ذیل آیه متعه

با وجود این که دیدگاه رسمی و اعلام شده شیعه، تحریف‌ناپذیری قرآن بوده و بر اساس آن، کتاب‌های زیادی توسط علمای امامیه تدوین شده است، با این حال همواره شیعه در طول تاریخ به قائل بودن به تحریف قرآن متهم شده است.

این دیدگاه هرچند که توسط بسیاری از علمای شیعه رد شده است (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۸، ص ۷۰ تا ۳۰)، با این حال وجود برخی از کتب قدیمی و جدید، برخی از اظهارنظرهای دوپهلوی، و برخی از روایات شیعی در کتب معتبر باعث گردیده که این اتهام رنگ واقعیت به خود گرفته و بهانه‌ای به دست مخالفان به ویژه وهابی‌های متعصب داده تا در دوره معاصر علیه شیعه تبلیغ منفی کنند.

بی‌شک، نقطه عطف اتهام قول به تحریف قرآن توسط شیعه، تألیف کتابی مستقل در این موضوع توسط یکی از بزرگان شیعه در اوائل قرن چهاردهم یعنی محدث نوری (ره) با عنوان: «فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب» بوده است. مرحوم نوری این کتاب را در سه مقدمه، دوازده فصل و یک خاتمه تدوین کرد. او در فصول دوازده‌گانه کتاب دلائل خود در تحریف شده قرآن فعلی را به صورت مبسوط بیان کرده است.

هرچند که بعد از انتشار این کتاب، جواب‌ها و ردیه‌های زیادی توسط علمای شیعه بر آن نوشته شد به گونه‌ای که محدث نوری را وادار کرد تعلیقه‌ای بر کتاب نوشته و از برخی ادعاهای خود برگردد (ر.ک خرمشاهی، ۱۳۷۲، ص ۲۴) ولی به هر حال مخالفان هنوز با استناد به این کتاب، شیعه را قائل به تحریف قرآن معرفی می‌کنند. از جمله دلائل محدث نوری در تحریف شدن قرآن که در ضمن دلیل دوازدهم بیان می‌کند، استناد وی به روایات تفسیری منقول از ائمه (ع) است که در آن‌ها آیات

قرآن به گونه‌ای دیگر قرائت شده و در برخی با عباراتی نظیر «هكذا انزلت» یا «هكذا نزلت» شائبه تحریف شدن قرآن را تقویت می‌کند.

برای نمونه به این روایت استناد کرده است: «أَبُو بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِهِ تَعَالَى وَ مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فِي وَ لِيَّهِ عَلِيٌّ وَ الْأُئِمَّةُ مِنْ بَعْدِهِ فَقَدْ فَازَ فَوزاً عَظِيماً هَكَذَا نَزَلَتْ». (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۳۵، ص ۵۷)

از جمله روایات تحریف‌نمای قرآن، چند روایاتی است که در ذیل آیه ۲۴ سوره نساء ذکر شده و در آن‌ها عبارت اضافه «الی اجل مسمى» به عنوان قسمتی از آیه گفته شده است. با این حال بررسی دقیق متن و سند این روایات و قرائن دیگر که از کتب قدیمی تفسیری شیعه و اهل سنت به دست می‌آید، بی‌اساس بودن ظهور این روایات در قول به تحریف قرآن مشخص می‌گردد.

#### ۷-۱. بررسی روایات تحریف‌نمای مرتبط با آیه متعه

همان‌گونه که پیش از این گفته شد، روایات مشعر به تغییر و تحریف قرآن، توسط علما و بزرگان شیعه چون: علامه عسکری در کتاب «القرآن و روایات المدرستین»، آیه الله خویی در «البيان» و آیه‌الله معرفت در «صیانه القرآن من التحریف» از لحاظ سندی و متنی بررسی شده و کافی نبودن آن‌ها در کمک به مدعای تحریف قرآن به اثبات رسیده است.

دلایلی که در توجیه روایات تحریف‌نمای مرتبط با قرائت خاص آیات قرآن می‌توان ذکر کرد از این قرار است:

۱- بسیاری از این روایات به چند راوی خاص منتهی می‌شوند که علمای رجال به شدت آن‌ها را تضعیف کرده‌اند. از جمله این افراد احمد بن محمد سیاری است که دارای کتابی در قرائت بوده که در آن، قرائت‌های خاصی را به ائمه نسبت داده و سپس این روایات وارد مجامع حدیثی و تفسیری شیعه شده‌اند. در اصول اولیه رجالی وی به فاسد المذهب و ضعیف الحدیث توصیف شده و لذا به روایات او اعتنایی نیست (نک: النجاشی، ۱۴۰۷، ص ۸۰؛ طوسی، ۱۴۱۴، ص ۷۰).

۲- دسته‌ای از این روایات مربوط به اختلاف قرائات است و این که برخی از قرائت‌های رایج بر اساس اجتهاد قاریان شکل گرفته و باعث دگرگونی قرائت اصلی قرآن شده است. این گونه روایات هیچ ظهوری در تحریف شدن قرآن به معنایی که مد نظر اشکال‌کنندگان به شیعه بوده ندارند؛ چرا که اصل قرآن از گزند تحریف درامان مانده و آنچه را که قراء تحریف کرده‌اند در واقع قرائت قرآن است و قرآن و قرائات دو حقیقت متفاوت هستند. (خویی، ۱۴۱۳، ص ۲۲۸).

۳- روایاتی که دارای عبارت اضافه «الی اجل مسمی» هستند، و در تفسیرهای عیاشی، البرهان و نورالثقلین ذکر شده‌اند بدون سند هستند. در میان این روایات تنها روایت مذکور در الکافی است که دارای سند است: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ إِنَّمَا نَزَلَتْ فَمَا اسْتَمَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى فَأَتُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ فَرِيضَةً (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۴۴۸). سند این روایت صحیح است. علی بن ابراهیم، پدرش ابراهیم بن هاشم و ابن‌ابی‌عمیر همگی توثیق شده‌اند. (خویی ۱۳۶۹، ج ۱۱، ص ۱۹۴، ج ۱، ص ۳۱۶، ج ۱۴، ص ۲۷۶)

با این حال و جود عبارت «عمن ذکره» دلالت بر مرسل بودن روایت می‌کند و اگرچه گفته شده که ابن‌ابی‌عمیر جزء مشایخ ثلاث است و مراسیل آن‌ها همانند مسانیدشان حجت است. (طوسی، ۱۴۰۴، ص ۳۸۶) برخی از بزرگان همانند مرحوم آیه‌الله خویی با کلیت این دیدگاه مخالفند. (خویی، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۶۳)

۴- در مورد عبارت «انما نزلت» که مشعر به نزول قرآن با این عبارت است باید گفت که همان‌گونه که مرحوم فیض کاشانی فرموده است، مراد ائمه (ع) از این گونه عبارات تغییر و تحریف معنایی قرآن بوده نه لفظ آن، به‌گونه‌ای که برخی در تفسیر و تأویل قرآن مرتکب تحریف و تغییر شده‌اند و آن را بر خلاف آنچه واقع است حمل کرده‌اند؛ پس مقصود از انما نزلت و کذا نزلت در فرمایش ائمه (ع) نزول معنایی آن است نه تحریف لفظی. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۲۵)

از جمله قرائن تقویت‌کننده این نظر روایات تفسیری زیادی است که با عبارت «انما نزلت» و الفاظ مشابه به شأن نزول آیه، و مفهوم و منظور از آن اشاره کرده است برای مثال: «أَبِي عَنْ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ عَنْ يُؤُسَّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ

أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ إِنَّمَا نَزَلَتْ أَوْ فَمَنْ كَانَ عَلَى بَيْتِهِ مِنْ رَبِّهِ يَعْنِي رَسُولَ اللَّهِ (ص) وَ يَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ يَعْنِي عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) إِمَاماً وَ رَحْمَةً وَ مِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ فَقَدَّمُوا وَ آخَرُوا فِي التَّأْلِيفِ. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۳۵، ص ۳۸۷)

در این روایت عبارتهای «یعنی رسول الله» و «یعنی علیاً» مشخص می‌کند که امام (ع) درصدد توضیح و تفسیر آیه هستند و لذا عبارت انما نزلت در ابتدای روایت باید حمل بر بیان شأن نزول گردد.

۵- بر فرض صحت این روایات، به دلیل مخالفت آنها با اجماع عامه مسلمین که تحریف به قرآن را به زیادت باطل دانسته‌اند، و مخالفت با دلائل قطعی از آیات و روایات مانند روایت ثقلین و روایات عرض و ... و دلائل عقلی بر تحریف نشدن قرآن باید حکم به باطل بودن این روایات کرده و آنها را کنار گذاریم. (خویی، ۱۴۱۳، ص ۲۳۲)

#### ۲-۲. سیر تاریخی ذکر روایات در تفاسیر شیعه

بررسی تفسیرهای شیعه از قرن چهارم تا دوره معاصر نشان می‌دهد که ذکر این روایات و اظهار نظر در مورد آنان و اعتقاد به قرائت خاص آیه مذکور در میان همه علمای شیعه به یک‌گونه نبوده است. تطور این تفسیرها به خوبی نشان دهنده این واقعیت است که برخلاف اتهام قول به تحریف قرآن به کل شیعه، اکثریت مفسران شیعی در تلاش بوده‌اند که دامن شیعه را از این اتهام پاک گردانده و به گونه‌ای به توجیه و تبیین این روایات پرداخته‌اند.

#### ۲-۲-۱. تفاسیر اولیه

در دو تفسیر شیعی «فرات کوفی» و «تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (ع)» ذکر از این روایات نشده و این آیه تفسیر نشده است. اولین تفسیر شیعی که آیه ۲۴ سوره نساء را تفسیر کرده، تفسیر «علی بن ابراهیم قمی» (۳۰۲م) است. نویسنده هیچ اشاره‌ای به اضافه تفسیری و قرائت متفاوت آیه نکرده و به ذکر روایتی از امام صادق (ع) اکتفا می‌کند؛ با این حال روایت ذکر شده دارای دو مشکل اساسی است:



مشکل اول آن آوردن عبارت «فمن استمتعتم» به جای «فما استمتعتم» و مشکل دیگر ذکر «الی اجل مسمی» بعد از «فما استمتعتم منهن» است. نکته مهم این است که، در خود تفسیر قمی هنگام ذکر این فقره از آیه و قبل از آوردن روایت امام صادق (ع) عبارت «قوله فمن استمتعتم...» آمده است ولی ذکری از عبارت «الی اجل مسمی» نشده است. (قمی، ۱۳۶۷، ص ۱۳۶)

در تحلیل این روایت باید گفت: اولاً استفاده از «من» به جای «ما» دلیل بر این است که به احتمال زیاد در روایت، تصحیف و اشتباه در نسخه‌برداری رخ داده است و به همین دلیل عبارت «الی اجل مسمی» نیز که به عنوان یکی از قرائت‌ها مطرح بوده به اشتباه جزء روایت قرار داده شده است.

ثانیاً بر فرض این که این عبارت جزء روایت امام صادق (ع) باشد، باید حمل بر توضیح تفسیری گردد، چرا که اگر جزء قرآن بود حداقل خود علی بن ابراهیم قمی در ابتدای تفسیرش هنگامی که آیات را بیان می‌کند، عبارت «الی اجل مسمی» را اضافه می‌کرد. پس نیاوردن این عبارت در هنگام ذکر آیه توسط علی بن ابراهیم قمی، خود دلیل بر این است که برداشت او از این عبارت، توضیح تفسیری بوده و نه عبارت افتاده از قرآن. علاوه بر این که انتساب تفسیر به علی بن ابراهیم قمی نیز مشکوک است و برخی این تفسیر را ساخته ابوالفضل علوی، شاگرد او می‌دانند. (معرفت، ۱۳۸۸، ص ۲۴۶)

در تفسیر عیاشی ۴ روایت در مورد فقره «فما استمتعتم...» ذکر گردیده که در ۳ روایت عبارت اضافه وجود دارد. در یک روایت قرائت اضافه به ابن عباس منتسب شده است: «و کان ابن عباس یقول: فما استمتعتم به منهن إلی أجل مسمی...». (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۳۳)

دو روایت دیگر از امام باقر (ع) به نقل از ابی بصیر و یک روایت از امام صادق (ع) نقل شده است. در یکی از روایات امام باقر (ع) هیچ ذکری از عبارت اضافه نشده در حالی که در روایت دوم ذکر شده است. با توجه به این که هر دو روایت از امام باقر (ع) و هر دو به نقل ابوبصیر است، این احتمال را تقویت می‌کند که دو روایت یکی بوده و عبارت اضافه تنها توضیح تفسیری است که توسط امام برای نشان دادن معنای آیه و

حمل آن بر نکاح متعه، بیان شده و در یکی از نقل‌ها آمده و به مرور جزئی از آیه در نظر گرفته شده است.

در روایت دوم عبارت «تقرأ» وجود دارد که ممکن است این شائبه را ایجاد کند که باید قرآن این‌گونه قرائت شود در حالی که دقت در کلمه قرائت و توجه به وجوه معنایی آن و کاربردهای دیگر آن در زمان پیامبر (ص)، اصحاب و ائمه (ع) مشخص می‌کند که این کلمه علاوه بر معنای رایجش، در برخی از تعبیرات، ناظر بر مفهوم و مقصود کلام داشته و نه خواندن صرف. به عبارت دیگر تعبیری از قبیل «کنا نقرأ»، «قراها»، «تقرأ» در واقع به معنای دیدگاه تفسیری گوینده است.

برای مثال، پیامبر اکرم در وصف امیرالمؤمنین فرموده‌اند: «و انت اقرؤهم لكتاب الله» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۳۵، ص ۴۶۱) مسلماً منظور حضرت خوش‌خوان‌تر بودن علی (ع) نبوده، بلکه درک و فهم بیشتر قرآن توسط ایشان مد نظر بوده است و یا منظور ابن مسعود از این که گفته «کنا نقرأ علی عهد رسول الله (ص) یا ایها الرسول بلغ بما انزل الیک من ربک ان علیا مولی المؤمنین و ان لم تفعل فما بلغت رسالتک ...» (ابن‌هشام، ۱۳۶۱، ص ۱۸۷) به این معناست که ما قرآن را در زمان پیامبر (ص) این گونه می‌فهمیدیم و تفسیر می‌کردیم (معرفت، ۱۳۸۸، ص ۱۲۷).

قرینه دیگر بر این معنا، تفسیر ابن‌عباس از آیه «فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ» است که گفته: «فَإِذَا بَيَّنَّاهُ لَكَ بِالْقِرَاءَةِ، فاعْمَلْ بِمَا بَيَّنَّاهُ لَكَ» (ابن‌منظور، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۱۲۸) قرائت را به معنای تبیین و توضیح مراد دانسته است. بنابراین، قرائت در قرون اولیه اسلام به معنای فهمیدن و تفسیر کردن بوده است، ولی با گذشت زمان این معنا به فراموشی سپرده شده و معنای تلاوت و خواندن از آن فهمیده شده است. غفلت از این نکته باعث گردیده که این روایات حمل بر قول به تحریف قرآن شود. (عسکری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۸)

همچنین با عنایت به روایات مشابهی که در آن‌ها عباراتی به متن قرآن افزوده شده، مشخص می‌گردد که در اکثر موارد مقصود، توضیح و بیان و ارائه شأن نزول آیه بوده است. (معرفت، ۱۳۸۸، ص ۲۵۸)

مرحوم امین الاسلام طبرسی در «مجمع البیان» قرائت «فما استمتعتم به منهن الی اجل مسمی...» را منتسب به جماعتی از اصحاب از جمله ابی‌بن‌کعب، عبدالله بن مسعود و عبدالله بن عباس دانسته است و در ادامه به نقل از تفسیر ثعلبی روایت حبیب بن ابی ثابت از ابن عباس را نقل می‌کند که در آن ابن عباس به صراحت می‌گوید که آیه ۲۴ سوره نساء با عبارت «الی اجل مسمی» نازل گردید:

«قد أورد الثعلبی فی تفسیره عن حبیب بن ابی ثابت قال أعطانی ابن عباس مصحفا فقال هذا علی قراءة أبی فرأیت فی المصحف فما استمتعتم به منهن الی أجل مسمی و یسناده عن أبی نصره قال سألت ابن عباس عن المتعه فقال أ ما تقرأ سورة النساء فقلت بلی فقال فما تقرأ (فما استمتعتم به منهن الی أجل مسمی) قلت لا أقرؤها هكذا قال ابن عباس و الله هكذا أنزلها الله تعالی ثلاث مرات». (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص ۹۹)

ایشان هیچ اشاره‌ای به روایات منقول از اهل‌بیت در مورد قرائت متفاوت آیه نمی‌کنند.

شیخ طوسی (ره) نیز هیچ گونه اشاره‌ای به روایات امام باقر و امام صادق (ع) در مورد فقره «الی اجل مسمی» نمی‌کند، بلکه آن را قرائتی منتسب به برخی از اصحاب از جمله ابن عباس می‌داند. ایشان از این قرائت استفاده می‌کند که برداشت شیعیان از این آیه و حمل آن بر ازدواج متعه صحیح است. اصولا روش مرحوم طوسی در مواجهه با روایاتی از این دست که در آنها آیات قرآن به گونه‌ای دیگر از جانب ائمه (ع) قرائت شده، ذکر روایات و حمل آنها بر نکته‌های تفسیری ائمه (ع) است.

دلیل بر این مطلب این است که ایشان در موارد متعدد، روایات حاوی اختلاف قرائت ائمه (ع) را نه در ذیل بحث اختلاف قرائت، بلکه در ضمن مباحث تفسیری آورده است ایشان این کار را با تعبیر «و فی تفسیر اهل البیت کذا» انجام می‌دهد و مطلبی را یادآور می‌شود که می‌توانسته در شمار اختلاف قرائت قرار بگیرد اما به صراحت آن را از قبیل تفسیر و بیان آیه می‌داند.

مثلاً در ذیل آیه «لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ...» (رعد: ۱۲) پس از ذکر معانی و بیانات مختلف از مفسران و ادبا می‌نویسد: «و فی تفسیر اهل البیت إنَّ معناه يَحْفَظُونَهُ بِأَمْرِ اللَّهِ» (طوسی، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۲۲۸). قرائت بامر الله

به جای «من أمر الله» در متون روایی و تفسیری شیعه بسیار مشهور است. (ر.ک.: کریمی‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۱۳)

به هرحال شیخ طوسی روایات منقول در «تفسیر عیاشی» و «کافی» از امام باقر و امام صادق (ع) در مورد این آیه را معتبر نمی‌داند که در این جا هیچ ذکری از آن‌ها به میان نیاوده و قرائت شاذ را صرفاً منتسب به اصحاب می‌کند. (طوسی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۶۶)

ابوالفتوح رازی نیز هیچ اشاره‌ای به روایات امام محمد باقر و امام صادق (ع) که در بردارنده قرائت «الی اجل مسمی» است نکرده و این قرائت را از ابن عباس، ابن مسعود، سعید بن جبیر و ابی بن کعب دانسته است. ایشان همچنین روایت حسین بن ثابت از عبدالله بن عباس و گزارش مصحف او و زیادت در آن را ذکر می‌کند. ظاهراً با توجه به این‌که وی معمولاً به اختلاف قرائت‌ها توجه داشته و در صورت وجود روایتی از جانب ائمه (ع) در مورد قرائت خاص، آن‌ها را ذکر می‌کند، اشاره نکردن وی به اختلاف قرائت آیه مطابق روایات اهل بیت قرینه‌ای است بر نامعتبر دانستن این روایات از جانب وی. (رازی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۳۱۶)

## ۲-۷. تفاسیر متأخر

در دوره شکوفایی گرایش اخباری‌ها، ذکر روایات تحریف‌نمای قرآن در کتب تفسیری و روایی افزایش می‌یابد. در این میان فیض کاشانی در «تفسیر صافی» علی‌رغم روایی بودن آن، در مقدمه بر تحریف‌ناپذیر بودن قرآن تأکید کرده و به توجیه روایات منقول در کتب شیعی می‌پردازد.

فیض کاشانی در تفسیر آیه ۲۴ سوره نساء، در ابتداء به ظهور داشتن آیه در حلیت نکاح متعه اشاره می‌کند و برای اثبات استدلال خود به روایتی که در الکافی از امام صادق (ع) نقل شده و در آن به نزول این آیه با عبارت اضافه «الی اجل مسمی» تصریح گشته، استناد می‌کند: «فی الکافی عن الصادق علیه السلام انما نزلت فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ إِلَىٰ اَجَلٍ مَّسْمُومٍ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ قَرِيبَةً» و در ادامه اضافه می‌کند که در تفسیر عیاشی روایتی به همین مضمون از امام باقر (ع) نیز نقل شده است.

ایشان همچنین به این موضوع که در تفاسیر اهل سنت قرائت «الی اجل مسمی» از طریق برخی از صحابه نیز نقل شده است، اشاره می‌کند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۳۹)

با این حال، تصریح ایشان در مقدمه ششم از کتاب بر این نکته که این‌گونه روایات همگی قابل توجیه بوده و حمل بر توضیح تفسیری می‌شوند، اثبات می‌کند که دیدگاه وی در مورد این روایات نیز همان نظریه عمومی ایشان است. (نک: فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۶)

در تفسیرهای اخباری دیگر نظیر *البرهان و نورالتقلین*، تنها به ذکر این روایات بسنده شده است. جالب این‌جاست که در نسخه‌های فعلی این دو کتاب عبارت اضافه داخل گیومه گذاشته شده است. اگر این کار از نویسنده باشد به خوبی دیدگاه وی در تفسیری دانستن این عبارت را نشان می‌دهد. (نک: بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۵۶؛ حویزی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۶۸)

ابوالمحاسن جرجانی (قرن نهم) جزء مفسران شیعی است که معمولاً به اختلاف قرائت آیات قرآن مطابق روایات اهل‌بیت نظر داشته و آن‌ها را نقل می‌کند. او در تفسیر *جلاء الاذهان و جلاء الاحزان* در ذیل این آیه بدون ذکر روایات نقل شده در کافی و تفسیر عیاشی و قمی، تنها به صورت سربسته و اجمالی به برداشت متفاوت اهل‌بیت از این آیه و حمل آن بر نکاح متعه اشاره کرده و عبارت «الی اجل مسمی» را منتسب به مصحف اصحاب می‌داند: «مذهب اهل‌البیت و عبد الله عباس و ابن مسعود و سعید جبیر و ابی کعب این است و در مصحف ابی و ابن مسعود چنین است که: [فما استمتعتم به منهن الی أجل مسمی فآتوهن أجورهن].» (جرجانی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۰۰)

محمد بن مرتضی کاشانی (متوفای قرن یازدهم) که وی نیز معمولاً به قرائت‌های منقول از اهل‌بیت (ع) نظر دارد، در تفسیر *المعین*، ذیل این آیه بدون ذکر روایات اهل‌بیت (ع) با جمله‌ای مجهول عبارت «الی اجل مسمی» را به عنوان یکی از قرائت‌ها معرفی می‌کند: «و قرئ بزیاده، الی أجل مسمی». (کاشانی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۱۷)

### ۳-۷. تفاسیر معاصر

مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در ذیل این آیه به طور مفصل در مورد دلایل ظهور آن در نکاح متعه و رد دلائل اهل سنت و همچنین نسخ نشدن این آیه توسط آیات دیگر صحبت کرده‌اند. در بیانات ایشان هیچ اشاره‌ای به عبارت اضافه «الی اجل مسمی» نه در روایات شیعه و نه در احادیث صحابه نشده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۲۶۷)

علامه فضل‌الله در تفسیر من وحی القرآن نیز بدون اشاره به اختلاف قرائت موجود در آیه تنها دلالت آن بر نکاح متعه را بیان کرده و در ضمن بحث مفصلی، به اشکالات مطرح شده و فوائد اجتماعی آن پرداخته است. (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۷، ص ۱۸۹)

مرحوم بلاغی در تفسیر آلاء الرحمن، به روایت امام صادق (ع) در قرائت کردن «الی اجل مسمی» و همچنین به روایتی که قرائت مذکور را منتسب به ابن عباس می‌داند، اشاره می‌کند ولی در ادامه به توجیه این روایات می‌پردازد. ایشان معتقد است که قرائت امام صادق (ع) و قرائت ابن عباس در حقیقت ناظر به شأن نزول آیه و تأویل آن است و به هیچ وجه به معنای نزول قرآن به این شکل نیست. در واقع روش اصحاب این گونه بوده است که هنگام نوشتن مصاحف شخصی برای این که شأن نزول آیه در اذهان بماند و تأویل آیه دانسته شود، عبارت اضافه‌ای به آن ملحق می‌کردند.

بنابراین منظور اصحاب از عبارت «هكذا نزلت» و امثال آن این بوده که آیه مذکور در مورد چنین موضوعی و به این مفهوم نازل شده است. در ادامه ایشان برای اثبات این ادعا نمونه‌هایی از نقل قول‌های ابن مسعود و ابی بن کعب را ذکر می‌کند. (بلاغی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۷۳)

با بررسی تفسیرهای منتخب و مهم شیعه در ادوار گوناگون چنین به دست می‌آید که ذکر روایات تحریف‌نما و انتساب قرائت خاص به ائمه (ع) تنها در تفسیرهای روایی اولیه شیعه وجود داشته است. همان‌گونه که سبک و سیاق این تفسیرها نشان می‌دهد، مفسر در مقام توضیح و بیان آیه نیست و صرفاً به ذکر منقولات و روایات بسنده می‌کند. از آنجا که این روایات مرسل و مقطوع‌السند هستند غیر قابل اعتماد بوده و در تفسیرهای دوره‌ها بعد انعکاس داده نشده‌اند. همچنین همان‌گونه که گفته شد، در خود

روایت و شیوه ذکر روایات، قرائنی وجود دارد که نشان می‌دهد مراد و مقصود امام (ع) بر فرض صحّت روایت، قول به تحریف قرآن نیست. در تفسیرهای مهم شیعه در دوره‌های بعدی اثری از ذکر این روایات نیست، حتی مرحوم شیخ طوسی علی‌رغم این که مقید است اختلاف قرائات منسوب به اهل بیت (ع) را ذکر کند، در خصوص این آیه اشاره‌ای به روایات منقول از طرق شیعه نمی‌کند، همین شیوه در تفسیرهای بعدی نیز قابل مشاهده است.

در دوران میانه، یعنی قرون یازده و دوازدهم با رونق یافتن جریان نص‌گرایان شیعه، مجدداً این اخبار وارد برخی از تفسیرهای روایی شیعه از جمله نورالثقلین و البرهان می‌شوند. این تفاسیر به خاطر ماهیت صرفاً روایی آن‌ها از هر گونه تفسیر و توضیح اضافه مفسر تهی است و از این رو، با توجه به این که هدف نویسندگان تنها ذکر تمام اقوال و منقولات شیعه در ذیل یک آیه بوده، ذکر این روایات انعکاس دهنده دیدگاه نویسندگان و نظر نهایی او نیست و نمی‌توان به واسطه ذکر این روایات، نویسندگان آن‌ها را متهم به پذیرش نظریه تحریف کرد به ویژه این که بخش اضافه آیه در این تفسیرها جزء آیه قرار داده نشده‌اند.

پس از عبور از دوره اوج اخباری‌گری مجدداً، اثری از روایات تحریف‌نما در تفاسیر شیعه به چشم نمی‌خورد. در اکثر قریب به اتفاق این تفسیرها، اختلاف قرائت به اصحاب پیامبر (ص) منتسب شده است و در برخی نیز صرفاً به دلایل ظهور این روایت در حلیت ازدواج متعه بسنده کرده‌اند. برخی از این تفسیرها، به دلیل ماهیت روایی بودنشان، معمولاً به اختلاف قرائت شیعه و روایات معصومان (ع) اشاره می‌کنند که سکوت آن‌ها در خصوص این آیه، ضعف این روایات را مشخص می‌کند.

بنابراین توجه به نکاتی که در ارزیابی سندی و متنی روایات گفته شد، بررسی اقوال برخی از مهم‌ترین تفسیرهای شیعه و نهایتاً اعتراف بعضی از مستشرقان معاصر، اثبات می‌کند که دیدگاه شیعه محرف دانستن قرآن در مورد آیه ۲۴ سوره نساء نیست. با همین روش، بسیاری از آیات مشابه و روایات از این دست نیز قابل تحلیل و بررسی است که در نهایت به زدودن دامان شیعه از این اتهام منتهی خواهد شد.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با بررسی روایات منقول در ذیل آیه ۲۴ سوره نساء، تفسیرهای شیعه در دوره‌های گوناگون تاریخی، تفسیرهای اهل سنت و دیدگاه مستشرقان این نتایج به دست می‌آید:

۱. تنها در ۴ روایت نقل شده از اهل‌بیت (ع) به عبارت اضافه «الی اجل مسمی» اشاره شده است. از مجموع این روایات فقط ۲ روایات به دلیل داشتن عبارت «کان یقرأ» در یکی و «انما نزلت» در دیگری، چنین به ذهن می‌رسد که امام (ع) در صدد بیان این نکته بوده‌اند که قرآن به این شکل نازل شده، و قرآن فعلی تحریف شده است.

۲. از این تعداد روایت، تنها یک روایت دارای سند کامل و صحیح است و بقیه دارای مشکل ارسال هستند. روایت صحیح نیز با توجه به معانی لغوی و قرائن دیگر، حمل بر برداشت و توضیح تفسیری امام می‌شود و ارتباطی به تحریف قرآن ندارد. علاوه بر این که اکثر قریب به اتفاق علمای شیعه به دلیل مخالفت این نوع روایات با قرآن، سنت قطعیه، اجماع و عقل برفرض صحت آنها، حکم به کنار گذاشتنشان کرده‌اند.

۳. با بررسی روایات نقل شده در کتب تفسیری اهل سنت مشخص می‌گردد که قرائت «الی اجل مسمی» در آیه متعه به اصحاب از جمله ابن‌عباس نسبت داده شده است. بنابراین، قرائت متفاوت آیه و ادعای تغییر کردن آن در کتب اهل سنت نیز وجود دارد. حجم زیاد این روایات که در تفاسیر شیعه و سنی ذکر شده و در آنها قرائت خاص آیه به اصحاب منسوب شده، این احتمال که این قرائت خاص بعدها با تسامح و اشتباه و یا تعمد راویان کذابی چون محمدبن‌احمد سیاری به ائمه (ع) نسبت داده شده باشد را تقویت می‌کند.

۴. بررسی برخی از تفاسیر شیعه از زمان شیخ طوسی تا دوره معاصر مشخص می‌کند که به غیر از دوره اوج‌گیری گرایش اخباری‌گری، در هیچ تفسیری بعد از تفاسیر اولیه، ذکری از روایات ائمه (ع) در ذیل آیه ۲۴ و آوردن عبارت اضافه «الی اجل مسمی» نشده است. این مطلب به خوبی موضع علمای شیعه را در نپذیرفتن این روایات و بالتبع قول تحریف نشدن قرآن مشخص می‌کند.



۵. علی‌رغم، ادعای مستشرقان به محرف دانستن قرآن توسط شیعیان، افرادی چون بارتن، ونزبرو و گلیو معتقدند که قرائت اضافه در آیه ۲۴ سوره نساء در روایات شیعی جنبه تفسیری و توضیحی دارند و دلیلی بر قول به تحریف قرآن توسط شیعه نمی‌توانند باشند.

#### یادداشت‌ها

- 1- Schacht
- 2- Robert Gleave
- 3- Wansbrough
- 4- Burton

#### کتابنامه

قرآن کریم.

- ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن منظور، ابی الفضل جمال الدین، (۱۴۰۵ق)، لسان العرب، قم: نشر ادب حوزه.
- آلوسی، سید محمود، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بحرانی، سید هاشم، (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
- بلاشر، رژی، (۱۳۶۵)، در آستانه قرآن، ترجمه محمود رامیار، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلام.
- بلاغی، محمدجواد، (۱۴۲۰ق)، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم: بنیاد بعثت.
- جرجانی، ابو المحاسن، (۱۳۷۷)، جلاء الأذهان و جلاء الأحزان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حر عاملی، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل‌البیت.
- خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۳ق)، البیان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- همو، (۱۳۶۹)، معجم رجال‌الحديث، قم: مرکز نشر آثار شیعه.

رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، (۱۴۰۸ق)، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.

زمانی، محمدحسن، (۱۳۸۵)، *مستشرقان و قرآن*، قم: بوستان کتاب.

سیوطی، جلال‌الدین، (۱۴۰۴ق)، *الدر المثور فی تفسیر المأثور*، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.

طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرانی، سلیمان بن احمد، (۱۴۰۴ق)، *معجم الکبیر*، موصل: مکتبه العلوم و الحكم.

طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار المعرفه.

طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۲ق)، *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

همو، (۱۳۸۹)، *العهده فی اصول*، قم: بوستان کتاب.

همو، (۱۳۸۱)، *رجال*، نجف: المکتبه المرتضویه.

عسکری، مرتضی، (۱۳۷۵)، *القرآن الکریم فی روایات المدرستین*، قم: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت.

عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰)، *کتاب التفسیر*، قم: چاپخانه علمیه.

فضل‌الله، سید محمدحسین، (۱۴۱۹ق)، *من وحی القرآن*، بیروت: دارالملاک للطباعه و النشر.

فیض کاشانی، ملا محسن، (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الصافی*، تهران: انتشارات الصدر.

قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴)، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۷)، *تفسیر قمی*، قم: دارالکتاب.

قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، (۱۳۶۸)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

کاشانی، محمد بن مرتضی، (۱۴۱۰ق)، تفسیر المعین قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.  
کریمی نیا، مرتضی، (۱۳۸۵)، «اختلاف قرائت یا تحریف قرآن» فصل نامه علوم حدیث، ش ۴۰، ص ۲۱ تا ۳۰.

کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.  
گولتسیهر، ایگناس، (۱۳۸۳)، گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان، ترجمه سید ناصر طباطبایی: تهران، ققنوس.

مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار، بیروت: الوفاء.  
معرفت، محمد هادی، (۱۳۸۸)، تحریف ناپذیری قرآن، ترجمه علی نصیری، قم: مؤسسه فرهنگی تمهید.

نجاشی، احمد بن علی، (۱۴۰۷ق)، رجال نجاشی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.  
نولدکه، تئودور، (۲۰۰۰م)، تاریخ القرآن، ترجمه جورج تامر، بیروت: دارالنشر.

Gleave, Robert, (2004), "Shi'ite Exegesis and Interpretation of Quran 4:24" *The Kuran, Critical Concept in Islamic Studies*, Rutledge.

Burton, John, (1982), 'Mut'a; Tamattu' and istimt'a a confusion of tafiris. *Union Europeenne des Arabisants et Islamisants. Tenth qmgress Proceedings*, ed. Robert Hillenbrand,

Schacht, Joseph, (1950), *The Origins of Muhammadan Jurisprudence*, Oxford.

Wansbrough, John, (1972), *Quranic Studies*, Oxford.